

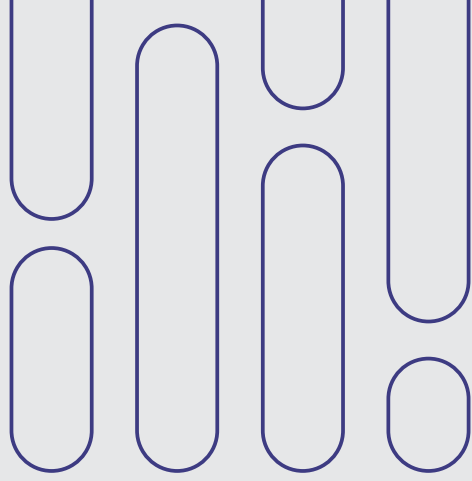
گزارش وضعیت

درگذشت رئیسی؛ نشانه ها و پیامدها

۲۲ مه ۲۰۲۴



RASANA
المعهد الدولي للدراسات الإيرانية
International Institute for Iranian Studies



فهرست

- نخست: نشانه های سقوط بالگرد رئیسی
و همراهان وی.....3
- دوم: پیامدهای درگذشت رئیسی در سطح
داخل و خارج7
- سوم: بعد از درگذشت رئیسی چه کسی سکندار قدرت
می شود؟.....13
- برآیند.....15

بعد از ساعتها دلوپسی و انتظار، ایرانیان اطمینان حاصل کردند که بالگرد رئیس جمهور، وزیر خارجه و هیأت همراه به خاطر شرایط بد جوی دچار حادثه شده و تمامی سرنشینان جان خود را از دست داده اند. علی رغم اینکه این حادثه مربوط به رهبران رده بالای کشور بود، اما مکان آن مدت زمانی نسبتاً طولانی همچنان نامعلوم بود. تا اینکه ناگزیر برای عملیات جستجو از کشورهای همسایه کمک خواستند. این امر نشان داد که نظام ایران از جنبه های مختلف با مشکلات عدیده ای دست به گریبان است. همچنین، غیبت ناگهانی رئیسی از سپهر سیاسی سؤالات چندی را مطرح می کند که مهمترین آنها عبارت است از: با توجه به اینکه ایران انتخابات مهمی را پیش رو دارد که انتخاب رهبر آینده، از مهمترین این رویدادها می باشد، فوت ابراهیم رئیسی چه تأثیراتی بر اوضاع داخلی و خارجی در آینده نزدیک و دور خواهد داشت؟

نخست: نشانه های سقوط بالگرد رئیسی و همراهان وی

حادثه سقوط بالگرد ابراهیم رئیسی و همراهان وی در منطقه کوهستانی و صعب العبور شمال غرب ایران در میان جنگلهای ورزقان از توابع استان آذربایجان شرقی در نزدیکی مرز آذربایجان، از نشانه های چندی پرده بر می دارد که عبارتند از:

یک. مشخصات بالگرد حامل رئیسی

بالگردی که رئیسی با آن سفر کرد، بالگرد آمریکایی بل ۲۱۲ است که تاریخ ساخت آن به دهه هفتاد قرن گذشته باز می گردد. یعنی در این بالگرد ۵۰ ساله، از پیشرفتهای حیرت آور تکنولوژی دنیای امروز اصلاً خبری نیست. کما اینکه بالگردهای تک موتور برای مأموریت‌های بسیار مهم چندان مناسب نیست. وانگهی، ایران هم اکنون هواپیمای Mi-17 ساخت روسیه را در اختیار دارد که جایگزین بسیار مناسبی به جای این بالگرد است و ایران دو دهه قبل آن را خریداری کرده است و در تأمین لوازم یدکی آن نیز هیچ مشکلی وجود ندارد.

علی رغم اینکه بالگردی که رئیسی با آن سفر کرد در سطح جهان به وفور استفاده می شود، اما ایران به خاطر تحریمهای ناشی از سیاستهای هسته ای، موشکهای بالستیک و سیاستهای توسعه طلبانه، به لوازم یدکی آن دسترسی ندارد تا با تعمیر و بهسازی، آن را سالم نگهدارد. در نتیجه، فرسودگی ناوگان هوایی ایران که ناشی از عدم دسترسی به قطعات مورد نیاز است، در دهه اخیر حوادث زیادی آفریده است؛ برزی به خاطر آتش گرفتن موتور سقوط کرده اند، و برزی نیز در هنگام بلند شدن و نشستن، از باند فرودگاه منحرف شده اند و برزی دیگر با رشته کوهها برخورد کرده اند و در نهایت، برزی مانند بالگرد حامل رئیس جمهور دچار آتش سوزی شده است.

دو. تلاشها در راستای عملیات جستجو و نجات:

اینکه ایران نتوانسته بود علی رغم ساعتها تلاش، مکان سقوط بالگرد حامل رئیس جمهور و همراهان وی را پیدا کند، از مشکل ضعف سیستمهای مربوطه کشور در عملیات جستجو و نجات و همچنین فرسوده بودن ناوگان هوایی ایران پرده بر می دارد. در حین عملیات جستجو معلوم شد که برای یافتن شخصیتی با جایگاه رئیس جمهور کشور و بزرگان همراه وی، از سیستمها و تجهیزات ابتدایی استفاده می شود. تیم نجات ارتش و هلال احمر برای عملیات جستجو در شب تاریک و برفی با مه غلیظ در شیب تند کوهستانی، تجهیزات پیشرفته مورد نیاز را در اختیار نداشتند. تصاویری که در شبکه های اجتماعی دست به دست شد، نشان داد که تیمهای نجات به عینک های دید در شب مجهز نبودند. و در آن منطقه کم جمعیت با پوشش انبوه درختان، تلفن همراه اصلا آنتن نداشت.

از این رو، ایران ناچار از ترکیه کمک خواست و ترکیه نیز برای جستجوی لاشه بالگرد رئیس جمهور و همراهان، پهپاد آکینجی را فرستاد که به فناوری پیشرفته ای مجهز است. همچنین ایران از اتحادیه اروپا خواست که خدمات نقشه برداری ماهواره ای را برای یافتن بالگرد، فعال کند. و اگر این کمکها نبود، یافتن لاشه بالگرد بدون تجهیزات دید در شب و دوربینهای مادون قرمز در آن شرایط جوی و در آن منطقه ناهموار آنهم در شب، برای ایران

تقریباً ناممکن بود. اما با این همه، ایران ادعا کرد که پهپادهای ایرانی مکان سقوط بالگرد را پیدا کرده است. ولی طرف ترکیه ای اطلاعات مسیر پرواز آکینجی را به صورت آنلاین منتشر کرد که پس از پایان مأموریت و بازگشت، با رسم پرچم ترکیه فرود آمد.

سه. سیستمهای هواشناسی:

دستگاههای هواشناسی در فرودگاههای بین المللی وضعیت هوایی را رصد می کنند و اطلاعات این سامانه بر اساس استانداردهای جهانی، دائماً به روز می شود. و معمولاً مسافران پیامهایی دریافت می کنند مبنی بر اینکه سفر تا چند ساعت که وضعیت جوی بهبود یابد، به تأخیر می افتد. و طبیعتاً زمانیکه سفر رهبران و بزرگان یک مملکت با بالگرد مطرح باشد، علاوه بر پایش وضعیت جوی، تمهیدات امنیتی بیشتری در نظر گرفته می شود. حال این سؤال مطرح می شود که سیستمهای هواشناسی قبل از سفر رئیسی کجا بودند که باید وضعیت بد جوی را گزارش می کردند تا رئیس جمهور در وضعیت جوی با مه غلیظی که حتی ارتباط با دو بالگرد دیگر را از دست داد، سفر خود را به تأخیر اندازد؟ یا اینکه این بالگرد آن قدر قدیمی و فاقد استانداردهای جهانی بوده که اصلاً فاقد اینگونه امکانات بوده است؟ در نتیجه، علت به روز نشدن سیستم هواشناسی تحریمها و بحران بین المللی که ناشی از سیاستهای تهران است.

در واقع، بالگرد فاقد امکانات لازم برای تاب آوری در مقابل وضعیت بد جوی بود و به تجهیزات پیشرفته ارتباطی و اورژانسی نیز مجهز نبوده است. و به نظر می رسد که خلبان نیز فرصت نیافته که پیش از گرفتار شدن در مه غلیظ برفراز جنگل، وضعیت را گزارش کند؛ وگرنه، با گزارش وضعیت اضطراری توسط تجهیزات موجود در بالگرد، امکان نجات جان سرنشینان وجود داشت. به هر حال، این حادثه بر ادعاهای ایران مبنی بر توان تولید نسخه های هوشمند هواپیما و پهپاد و یا تولید نسخه دیگر از Mi-17، به موجب تفاهمنامه سال ۲۰۱۷ میلادی با روسیه، خط بطلان کشید.

چهار. پروتکولهای امنیتی در مورد مقامات عالی رتبه:

معمولاً، کشورها در مورد سفرهای مقامات عالی رتبه تمهیدات خاصی

در نظر می گیرند؛ مثلاً از انتقال چندین تن از مقامات عالی رتبه توسط یک بالگرد پرهیز می کنند. اما جای بسی شگفت است که کشوری به وزن ایران چندین شخصیت عالی رتبه مملکت از جمله رئیس جمهور و وزیر خارجه را آنهم در شرایط نامساعد جوی با یک بالگرد منتقل می کند؛ هرچند که مسافت میان تبریز که هواپیمای ریاست جمهوری در فرودگاه این شهر فرود آمده است تا منطقه ای از استان آذربایجان که مراسم افتتاحیه پروژه سد در آنجا برگزار شد، کم باشد. حال، اینکه چندین تن از مقامات عالی رتبه با یک بالگرد - نه یک هواپیما - انتقال داده می شوند، سؤالاتی را در مورد تمهیدات امنیتی در ایران مطرح می کند. برخلاف هواپیما، بالگرد در ارتفاع پایین تر و در صورتیکه حامل مقامات عالی رتبه باشد، با سرعت کمتری نیز پرواز می کند. ضمن اینکه، پرواز در ارتفاع پایین آن را در تیررس ساده ترین سلاحها نیز قرار می دهد؛ هرچند که هدف هیچ نوع حمله ای قرار نگرفته است. برخلاف هواپیما، در بسیاری موارد این نوع بالگردها وقتی دچار نقص فنی شوند، نمی توانند سیگنال وضعیت اضطراری را ارسال کنند. خلاصه اینکه، چگونه اجازه داده شده است که این تعداد از مقامات عالی رتبه کشور در شرایط بد جوی با چنین بالگردی سفر کنند؟

پنج. تأمین امنیت رئیسی؛ گزینه احتمالی برای جانشینی خامنه ای

آنچه که تا کنون از این حادثه می دانیم یعنی سفر چندین تن از مقامات عالی رتبه توسط یک بالگرد، ناکارآمدی دستگاههای هواشناسی، و همچنین ناکارآمدی تیمهای جستجو که برای چندین ساعت در یافتن لاشه هواپیمای رئیس جمهور سرگردان بودند، از سستی نهادهای کشور در تأمین امنیت مقامات عالی رتبه در وزن رئیس جمهور کشور پرده بر می دارد. رئیسی از جایگاه ویژه ای در نظام ایران برخوردار بود؛ زیرا خامنه ای توانست با کمک او قدرت را در اختیار جناح تندرو قرار داده و بدین سان به اختلافی که در دوران ریاست جمهوری حسن روحانی میان نهاد رهبری و نهاد ریاست جمهوری وجود داشت، پایان دهد. همچنین او از محتمل ترین گزینه ها برای جانشینی رهبری بود که می توانست راه خامنه ای را در سیاستهای داخلی و خارجی ادامه دهد. در نتیجه، این حادثه نشان داد که نهادهای

امنیتی وزن و جایگاه رئیسی در نظام را درک نکرده بودند. و درگذشت او در حلقه‌های تنگ نظام بحران بزرگی را به وجود خواهد آورد.

دوم: پیامدهای درگذشت رئیسی در سطح داخل و خارج

هنوز عملیات جستجو برای یافتن بالگرد سانحه دیده رئیس جمهور پایان نیافته و مرگ رئیسی تأیید نشده بود که رهبر، از مردم ایران خواست نگران نباشند و اطمینان داد که با این حادثه در مدیریت کشور هیچ خللی پیش نخواهد آمد. بدون شک، در سایه وجود چارچوبهای ساختاری و قانونی برای مدیریت چنین وضعیت فوق العاده، نظام از این مرحله نیز عبور خواهد کرد. اما باتوجه به رابطه مستقیمی که میان رهبر و رئیس جمهور در هرم قدرت نظام و پیشینه سیاسی آن وجود دارد، نباید از نظر دور داشت که پیامهای اطمینان بخش خامنه‌ای به ملت ایران، به نوعی از نگرانیها در مورد غیاب رئیس جمهور و پیامدهای آن در سطح داخلی و خارجی پرده برمی‌دارد.

یک. در سطح داخلی:

رئیس جمهور، بعد از رهبر دومین فرد در هرم نظام حکومتی ایران است که البته صلاحیت بسیار کمتری از رهبری دارد. اما به هر حال، مقام بزرگی است و غیاب رئیس جمهور تبعات تأثیرگذاری بر نظام سیاسی مخصوصاً در مورد کشمکش میان «اصلاح طلبان» و «محافظه کاران» و نیز در فردای پس از خامنه‌ای خواهد داشت.

الف. کشمکش میان اصلاح طلبان و محافظه کاران:

رهبر با انتخابات مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان رهبری که در ماه مارس ۲۰۲۴ میلادی برگزار شد، توانست از طریق حذف چهره‌های اصلاح طلب، آرایش مهره‌های درون نظام را با موفقیت تکمیل کند؛ به گونه‌ای که نهادهای کشور همه یکدست و تحت سیطره محافظه کاران قرار گرفتند و از قدرت و نفوذ چهره‌های اصلاح طلب در آنجا خبری نیست. و فقط یک گام مانده بود تا محافظه کاران در انتخابات ریاست جمهوری که قرار بود سال آینده برگزار شود، کشور را کاملاً تحت تسلط خویش در

آورند؛ به ویژه اینکه تلاشهای رئیسی، مقدمه پیروزی وی برای دور دوم ریاست جمهوری را نیز فراهم کرده بود. **از این رو، می توان مهمترین چالشهای نظام در مرحله پیش رو، در این موارد خلاصه کرد:**

- احتمال بازگشت قدرتمند «اصلاح طلبان» به صحنه؛ زیرا علی رغم اینکه رهبر و سپاه پاسداران نهادهای قدرت را در اختیار خود گرفته اند، اما جریان اصلاح طلب نیز اکنون از قدرت مانوردهی بیشتری برخوردار است. و علی رغم اینکه امکان دارد چهره های پرنفوذ اصلاح طلب توسط شورای نگهبان رد صلاحیت شوند همانطور که حسن روحانی و دیگر چهره های این جریان در انتخابات پیشین مجلس خبرگان رد صلاحیت شدند، اما با این همه، اصلاح طلبان می توانند با تمرکز بر برخوردهای غیر دموکراتیک حاکمیت علیه آنان، حاکمیت را تحت فشار قرار دهند.

- با رفتن ابراهیم رئیسی از فضای سیاسی، طرحهای محافظه کاران نیز دچار مشکلاتی می گردد. از این رو، آنان ناچار باید راهبرد خود برای مرحله پیش رو را بازنگری کنند. زیرا در اختیار گرفتن نهادهای قدرت، زمینه رقابتهای درون جناحی را فراهم ساخته است. که نزاع کنونی بر سر پست ریاست مجلس یکی از نمونه های آن است و هیچ بعید نیست که شاهد رقابتی دیگر بر سر جانشینی رئیسی میان محافظه کاران باشیم.

- فضای انتقال قدرت که با درگذشت رئیس جمهور پیش آمده است، و رقابتهای احتمالی میان «محافظه کاران» و «اصلاح طلبان» و همچنین رقابتهای درون جناحی میان «محافظه کاران» که بر سر مرحله پساخامنه ای جریان دارد، همه اینها ممکن است باعث متشنج شدن فضای کشور شود و باعث اعتراضات خود جوش و سامان یافته ای شود که خطرات بی ثباتی سیاسی در کشور را افزایش می دهد؛ آنهم در شرایطی که کشور با وضعیت اقتصادی بسیار سخت دست و پنجه نرم می کند که کشته شدن رئیس جمهور در سانحه هوایی یکی از پیامدهای وضعیت اقتصادی و تحریمی کشور است.

- در سطح اقتصادی، انتظار نمی رود که این حادثه بحرانهای اقتصادی فراتر از آنچه که ایران عملاً با آن دست به گریبان است بر کشور تحمیل کند؛ بخصوص در صورت منتفی بودن دخالت طرفهای خارجی در این حادثه که ایران را به پاسخگویی وادارد و به نگرانیهای اقتصادی دامن بزند. اما از سویی دیگر، این حادثه طرحهای داخلی را با چالشهایی روبرو می سازد؛ مثلاً ممکن است اجرای برخی طرحهای در دست اقدام با مشکل و یا کندی مواجه شود و یا اینکه تا زمان مشخص شدن رویکرد اقتصادی آینده توسط رئیس جمهور آینده، سرمایه گذاران در مورد آینده و سرمایه خود نگرانیهایی داشته باشند. علاوه بر آن، ممکن است سرمایه گذاران از ماهیت تصمیمات محمد مخبر به عنوان سرپرست دولت که تا کنون پستهای اجرایی متعددی داشته و نهادهای اقتصادی مهمی چون ستاد اجرایی فرمان امام با سرمایه میلیاردها دلار، زیر نظر رهبری را مدیریت کرده است، نگران باشند.
- این احتمال نیز وجود دارد که در پی سقوط بالگرد فرسوده رئیسی، ایران در آینده اروپا و آمریکا را برای رفع تحریمهای اقتصادی مخصوصاً در بخشهای حیاتی مانند هواپیمایی تحت فشار بیشتر قرار دهد؛ چرا که عدم دسترسی ایران به قطعات مورد نیاز برای ترمیم و بهسازی بالگرد، به مرگ رئیس جمهور و وزیر خارجه ایران منجر شد. علاوه بر آن، بسیاری از بخشهای حیاتی مانند خودروسازی، صنایع و گردشگری در ایران از قبیل تحریمها آسیبهای جدی دیده است.
- مهمترین پیامدهای آنی این حادثه، افزایش نسبی بهای ارز است و ممکن است بازار ارز و بازارهای مالی در روزهای آینده به عنوان واکنش طبیعی بازار به هر بحرانی، به طور موقت دچار تلاطم شود. کما اینکه بهای جهانی نفت خام برنت اندکی (۰,۳۵٪) افزایش یافت و به ۸۴,۳ دلار در هر بشکه رسید. گفتنی است که ایران در سه سال ریاست جمهوری رئیسی با چالشهای اقتصادی بسیار سختی روبرو بوده است که مهمترین آنها افزایش بی سابقه تورم مخصوصاً در قیمت مواد غذایی، بهای ارز، و حذف انواع طرحهای حمایتی، و

افزایش کسری بودجه و نرخ فقر است. و این چالشها تا هنوز هم به قوت خود باقیست.

ب. درگذشت رئیسی و فردای پس از خامنه ای

درگذشت ناگهانی رئیسی معادله فردای پس از خامنه ای و رهبر آینده نظام را بر هم زد. رئیسی به حکم اینکه هم «سید» است و هم «مجتهد»، و مورد قبول نخبگان حاکم و دستگاہهای قدرت نیز بود، برجسته ترین و مهمترین گزینه برای جانشینی رهبر فعلی نظام به شمار می رفت. بدون در نظر داشت سناریوها، عوامل و ابعاد درگذشت رئیسی و احتمالات دست داشتن طرفهای داخلی و یا خارجی در این حادثه، باید گفت که مرگ رئیسی روند سنتی رهبری در ایران را تغییر خواهد داد. رئیسی امتداد همان روند خمینی و خامنه ای بود. او شاگرد خامنه ای در درس خارج و مورد اعتماد وی از نظر علمی و سیاسی بود. و شاید هم رقبای رئیسی در داخل حاکمیت و حوزه از این نزدیکی میان رئیسی و خامنه ای احساس خطر کرده و پیشرفتهای رئیسی را تهدیدی برای منافع راهبردی خود دانسته اند. تا با این واقعه، بار دیگر بحث جانشینی مجتبی خامنه ای جان بگیرد. و با توجه به رابطه تنگاتنگ مجتبی با سپاه پاسداران، اکنون او از مهمترین و محتمل ترین گزینه ها است. اگر این سناریو که شانس بیشتری دارد تحقق یابد، به معنای انحراف از خط انقلاب ۱۹۷۹ و حتی انحراف از مشی شیعی ولایتمداری است.

سناریوی دیگری که امکان تحقق آن وجود دارد، این است که سپاه پاسداران مستقیماً قدرت را در اختیار بگیرد یعنی بعد از درگذشت خامنه ای و یا در صورت ناتوانی او و بروز ناآرامیهای گسترده ای که از نگاه سپاه پاسداران امنیت ملی ایران را تهدید کند، دست به یک کودتای خشن بزند. و یا اینکه غیر مستقیم قدرت را در اختیار بگیرد یعنی اینکه سپاه در تعیین جانشین خامنه ای دخالت کند و از پشت پرده رهبر آینده را مدیریت کند. در حالیکه سپاه باید از رهبر اطاعت کند نه اینکه به او خط بدهد. در همه این احتمالات، رهبری از خطی که خمینی بعد از انقلاب اسلامی ترسیم کرده است، خارج شده است. و ما با ایران تازه ای با فلسفه حکومتداری تازه ای

روبرو خواهیم بود؛ گذشته از اینکه آیا رهبر جدید در حکومتداری ضعیف است یا قوی، یا این نوع حکومتداری خوب است یا بد و نخبگان حاکم تازه تا چه اندازه قادر به ایجاد توازن راهبردی در منطقه، و قادر به ایجاد وفاق داخلی میان حوزه و کشور هستند.

دو. در سطح سیاست خارجی:

رئیس جمهور فقید ابراهیم رئیسی و وزیر خارجه اش دو بازیگر اصلی در سیاست خارجی ایران بودند اما تنها بازیگر نبودند. بلکه سیاست خارجی ایران حاصل اجماع مجالس علیای کشور است که چندین طرف مانند شورای عالی امنیت ملی، سپاه پاسداران و مجلس شورای اسلامی در آن شرکت دارند و علاوه بر برخی چهره های نزدیک به رهبر، افکار عمومی جامعه و رسانه ها نیز در تعیین سیاست خارجی دخیل هستند. اما تمام این روند زیر نظر رهبری و با هدایت او شکل می گیرد. و رهبر در سیاست خارجی و مخصوصا در پرونده های حساس، حرف آخر را می زند.

رئیسی و عبداللهیان از جریان محافظه کار بودند که رضایت و حمایت بی دریغ رهبری را با خود داشتند. از این رو، رهبر به آنان اختیارات تأثیرگذاری در تدوین سیاست خارجی کشور داده بود. در همین راستا، رئیسی سیاست خارجی خود را بر اساس دو رکن ایدئولوژی و واقع گرایی بنا نهاده و همین الگو را پیش می برد. رئیسی در پاسداری از هویت خارجی ایران همان راه رهبر را می پیمود. که این روش، در افزایش تنش در مناسبات با ایالات متحده، اصرار بر حل مشکلات کشور به دور از برجام و تشدید تنش با اسرائیل نمود یافت. اما در عین حال، او سیاست عملگرایانه ای را نیز پیش برد که تقویت سیاست نگاه به شرق، تمرکز بر دیپلماسی اقتصادی و بهبود روابط با کشورهای همجوار و احیای روابط دیپلماتیک با پادشاهی عربستان سعودی از مصادیق آن است.

با توجه به آنچه بیان شد، احتمالاً درگذشت رئیسی تأثیر چندانی بر چارچوب کلی سیاست خارجی ایران نداشته باشد؛ زیرا تغییری در اجماعی که در خصوص مسائل سیاست خارجی ایران وجود دارد، رخ نداده است. و رهبر همچنان سمت و سوی سیاست خارجی را تعیین می کند. و هر کسی حتی

از جریان اصلاح طلب به جای رئیسی بر کرسی ریاست جمهوری تکیه بزنند، نمی تواند از خط معمول سیاست خارجی ایران عدول کند. تجربه نشان داده است که هر کدام از رؤسای جمهور اصلاح طلب و یا حتی تندرو، از خط رهبری عدول کرده اند، اختیارات آنان محدود شده و تلاش آنها برای عدول از رویکردهای ایدئولوژیک نظام، ناکام مانده است.

اما غیبت ناگهانی رئیسی و وزیر خارجه اش از سپهر سیاسی، بر شتابی که ایجاد کرده اند و روابطی که با جهان خارج برقرار کرده اند تأثیرگذار خواهد بود؛ مخصوصاً عبداللهیان که طرفدار سرسخت محور مقاومت بود و در هماهنگی سیاستهای ایران با این محور فعالیتهای پررنگی داشت. و احتمالاً این تأثیر در دراز مدت خود را پررنگ تر نشان خواهد داد؛ زیرا انتظار می رفت که رئیسی جانشین خامنه ای باشد و برای بقای جمهوری اسلامی و پاسداری از سیاست خارجی ایران گزینه مورد اعتماد بود.

مشکل ایران این است که اکنون در زمینه سیاست خارجی در مرحله بسیار حساسی قرار دارد. برنامه هسته ای ایران در بوته آزمون است. درگیری منطقه ای پر دامنه ای در جریان است که در یک جبهه ایران و در جبهه مقابل، ایالات متحده و اسرائیل قرار دارد. و به نظر می رسد خاورمیانه مرحله سرنوشت سازی را تجربه می کند. و رئیسی و عبداللهیان گامهای مهمی در این پرونده ها برداشته بودند. و این احتمال وجود دارد که غیبت ناگهانی آنها روند امور را اندکی دچار سردرگمی کند تا اینکه نهادهای دخیل در سیاست خارجی بتوانند روند امور را در دست گیرند. احتمالاً، در مرحله انتقالی که محمد مخبر به مدت ۵۰ روز وظایف رئیسی را انجام می دهد، توجه به سیاست خارجی اندکی کمتر شود؛ زیرا اولاً مخبر بیشتر گرایشهای اقتصادی دارد و ثانیاً در این مدت بیشتر به مدیریت مرحله انتقالی و برگزاری انتخابات در چارچوب خانه تکانی داخلی سرگرم است. از این رو، احتمال دارد در برنامه های سیاست خارجی اندکی خلل به وجود آید و یا اینکه پیشبرد سیاست خارجی به شورای امنیت ملی و سپاه پاسداران واگذار شود که در اینصورت شاهد سیاستهای تندروانه تری خواهیم بود. و شاید مجلس جدید که در روزهای آینده اولین جلسات آن تشکیل می

شود، از فرصت غیبت رئیسی و عبداللهیان استفاده کرده و تلاش نماید تا از طریق کمیسیون سیاست خارجی، نقش پررنگ تری در تدوین سیاست خارجی ایران و تأثیر بر روندهای آن مخصوصاً در خصوص پرونده هسته ای در مرحله پیش رو ایفا کند. و از آنجا که تندرورها مجلس ایران را در اختیار گرفته اند، احتمالاً این تأثیرگذاری مجلس به سیاستهای تندروانه تری در پرونده هسته ای منجر خواهد شد. پیش از این نیز مجلس ایران قانونی را از تصویب گذراند که تنش هسته ای ایران را شدت بخشید اما دولت رئیسی در طول چند سال گذشته، این روند را کنترل کرد.

اما در سطح روابط ایران با کشورهای عرب همجوار باید گفت که بدون شک ایران از نفوذ منطقه ای و روابط تنگاتنگ خود با گروههای شبه نظامی وفادار در منطقه، دست نخواهد کشید. و شاید سپاه پاسداران هماهنگی با گروههای شبه نظامی در منطقه را با جدیت بیشتری دنبال کند و در سایه تنشهای ناشی از جنگ اسرائیل در غزه، یک چهره مورد حمایت سپاه مأموریت‌های عبداللهیان را ادامه دهد.

سوم: بعد از درگذشت رئیسی چه کسی سکandar قدرت می شود؟

این سومین باری است که ایران خلأ در پست ریاست جمهوری را تجربه می کند. اولین بار زمانی بود که روح الله خمینی در ۲۰ ژوئن ۱۹۸۱ میلادی ابوالحسن بنی صدر اولین رئیس جمهور بعد از انقلاب را به اتهام خیانت به اصول انقلاب عزل کرد. و دومین مورد بعد از ترور محمد علی رجایی رئیس جمهور و نخست وزیرش محمد باهنر در ۳۰ آگست ۱۹۸۱ میلادی روی داد. اصل ۱۳۱ قانون اساسی تصریح دارد که در صورت فوت، عزل، استعفاء، غیبت یا بیماری بیش از دو ماه رئیس جمهور و یا در موردی که مدت ریاست جمهوری پایان یافته و رئیس جمهور جدید بر اثر موانعی هنوز انتخاب نشده و یا امور دیگری از این قبیل، معاون اول رئیس جمهور با موافقت رهبری اختیارات و مسئولیتهای وی را برعهده می گیرد و شورایی متشکل از رئیس مجلس و رئیس قوه قضاییه و معاون اول رئیس جمهور موظف

است ترتیبی دهد که حداکثر ظرف مدت ۵۰ روز رئیس جمهور جدید انتخاب شود، در صورت فوت معاون اول و یا امور دیگری که مانع انجام وظایف وی گردد و نیز در صورتی که رئیس جمهور معاون اول نداشته باشد مقام رهبری فرد دیگری را به جای او منصوب می کند.

بر اساس این اصل قانون اساسی، محمد مخبر معاون اول ابراهیم رئیسی، با موافقت علی خامنه ای رهبر ایران، وظایف ریاست جمهوری را به مدت ۵۰ روز تا زمان برگزاری انتخابات ریاست جمهوری بر عهده می گیرد.

محمد مخبر از چهره های نزدیک به رهبر است و در بخشهای مختلف اقتصادی مخصوصا در بخشهای ارتباطات و انرژی نفوذ زیادی دارد که شانس وی را در سرپرستی دولت در مرحله پیش رو و شاید هم در نامزدی اش برای انتخابات ریاست جمهوری که طبق قانون اساسی باید ۵۰ روز دیگر برگزار شود، تقویت می کند.

ابراهیم رئیسی فقید مورد اعتماد رهبر بود و دولت تقریبا سه ساله او با تمامی نهادهای حکومتی روابط با ثباتی داشت؛ و بر خلاف دولت حسن روحانی، از کشمکشها در سیاست داخلی و خارجی خبری نبود. در نتیجه، رهبر و تندروها تلاش خواهند کرد در این مدت باقیمانده تا انتخابات از یک چهره ای که همانند رئیسی به رهبری وفادار باشد و سیاستها و اهداف تندروها را دنبال کند، حمایت و تبلیغ کند.

اما مشکلی که نظام ایران در طی سالهای گذشته از آن رنج می برد، کم رنگ بودن مشارکت در انتخابات است به گونه ای که مشارکت در انتخابات اخیر مجلس شورای اسلامی به پایین ترین حد خود رسید که این امر ناشی از فقدان اعتماد مردم به سیاستهای نظام و بحران کمرشکن اقتصادی است که چندین سال ملت را به ستوه آورده است. و صد البته که سرکوبهای مکرر آزادیهای مدنی در این پایین بودن مشارکت نقش داشته است. و انتظار می رود که اگر چنانچه نظام در سیاستهای داخلی و خارجی خود اصلاحات جوهری اعمال نکند، نمودار مشارکت همچنان به سیر نزولی خود ادامه دهد.

برآیند:

این حادثه نشان داد که دستگاه‌ها و زیرساخت‌های حکومت ایران در تمامی زمینه‌ها فرسوده شده است. و توانمندی‌های ایران در زمینه فناوری در حدی نیست که بتواند در مقابل اینگونه حوادث جوابگو باشد؛ تا جایی که مجبور شد از اتحادیه اروپا و ترکیه بخواهد با امکانات فناوری خود به کمک عملیات جستجو و نجات بشتابند. همچنین آشفته‌گی و سردرگمی زیاد در اطلاع‌رسانی در جریان عملیات جستجو و درباره علت اصلی این سانحه نشان می‌دهد که ایران در مدیریت بحرانها و بلایای طبیعی که منجر به اینگونه حوادث می‌شود، ناتوان است. از این رو، ادعاهای ایران مبنی بر اینکه یک قدرت نظامی پیشرفته است نه تنها در مقابل دیدگان کشورهای منطقه و جهان بلکه در مقابل دیدگان ملت ایران نیز نقش زمین شد. و ملت ایران از این همه بحران و این حجم تحریمها و انزوای بین‌المللی که ناشی از سیاستهای هسته‌ای، بالستیک و توسعه طلبانه نظام است و کشور را در مدیریت بحرانهای مختلف ناتوان ساخته است، به ستوه آمده است. بالا گرفتن نارضایتی داخلی از توجیهات حاکمیت در اختصاص بودجه کلان نظامی در سایه ضعف و ناکارآمدی تمامی دستگاهها و نهادهای حساس کشور در محافظت از رئیس‌جمهور و همراهان، نظام را بر آن می‌دارد که در سیاستهای داخلی و خارجی خود که کشور را به انزوا رانده است، بازنگری کند و برای برون‌رفت از این انزوا و شرایط تحریمی، راهبرد تازه‌ای در پیش گیرد تا بتواند ضمن بازسازی نهادهای کشور، زیرساختها و تجهیزات کشور را بر اساس استانداردهای جهانی به روز کند.

علی‌رغم اینکه نظام دو تن از برترین مقامات عالی رتبه و حامیان بقای خود را از دست داد، اما باید گفت که این حادثه نمی‌تواند در گزینه‌های راهبردی نظام خللی ایجاد کند و این یک خسارت تاکتیکی است و نظام می‌تواند بر اساس همان خط انقلابی از میان نیروهای تندرو وفادار به رهبر، پرونده‌های خود را بازچینی کند و حتی اجازه نخواهد داد که جریان «اصلاح طلب» بار دیگر زمام امور کشور را در اختیار بگیرد.

